

3 سپتامبر 1969 - سالگرد خاموشی او

## هوشه مین

### انقلابی فراموش نشدنی

سپتامبر، ماه تولد هوشه مین است. رهبر افسانه ای ویتنام، که هنوز، در هرکجای جهان وقتی می خواهند در برابر تهاجم نظامی امریکا و یا هر کشور خارجی دیگر بایستند از او یاد می کنند. بزرگترین ارتش فرانسه را در ویتنام به زانو در آورد، جنگ رهائی بخش ویتنام جنوبی را سازماندهی کرد و وحدت دو ویتنام را پایه ریزی. او دیگر زنده نیست، ولی اندیشه و رهنمودهایش برای همیشه جاودان است.

هوشی مین بیش از پانزده نام مستعار داشت. انسان بزرگی بود که بسیار ساده زیست، چه آن دوران که در سنگرهای جنگ بود و چه دورانی که در قصرهای دولتی مستقر شده بود.

29 اردیبهشت 1229 **نگوین تات تان** که بعدها به نام **هوشی مین** معروف گشت، در قصبه بومی مادرش هوانگ ترو به دنیا آمد. او سومین فرزند خانواده اش بود. از همان عنفوان جوانی بحث های پدرش با رفقای وطن پرستش، و ستم گری های استعمارگران فرانسوی، او را لبریز از عشق به میهن و مردمش کرد. هوشی مین از پانزده سالگی همکاری زیرزمینی با مبارزین جوان دانشگاه ها را آغاز کرد.

پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی (1905 - 1910) و شکست جنبش های وطن پرستانه - که نتیجه دوری از اهداف سیاسی انقلاب ویتنام، یعنی کوتاه کردن دست استعمارگران فرانسوی و کسب استقلال ملی و از بین بردن روابط ارباب و رعیتی و پخش زمین به دهقانان، این وسیع ترین نیروهای انقلابی خلق ویتنام بود- برای تدریس در ایالت فان تیت عازم سایگون شد، پس از مدتی زندگی در این شهر، هوشی مین که تمایلش به آرمان های آزادی و حقوق مدنی و دموکراسی و علوم جدید و تکنولوژی زیاد بود، به عنوان کمک آشپز در یک کشتی فرانسوی رهسپار اروپا شد و از آنجا به آفریقا و آمریکا رفت. در این مدت باغبانی، پیشخدمتی، عکاسی و غیره کرد تا زندگی را بگذراند و در همین ایام بی عدالتی سرمایه داری را از نزدیک شاهد شد و خود لمس کرد. سفرهای او به کشورهای مستعمراتی آفریقا، ستم سرمایه داری را به او نشان داد و وی را به این نتیجه رساند که سرمایه داری همه جا بی رحم و غیرانسانی است و همه جا طبقه کارگر و مردم زحمتکش تحت فشار و استعمار وحشیانه قرار دارند.

در سال 1918، پس از پایان جنگ اول جهانی و پیروزی انقلاب در روسیه، او عریضه ای شامل 8 ماده، تحت عنوان «**حقوق ملل**» به کنفرانسی که از کشورهای سرمایه داری پیروز برای تقسیم بازارهای دنیا در ورسای گرد هم آمده بودند، ارسال داشت و در آن خواستار شد که فرانسه حقوق مردم ویتنام را برای آزادی و دموکراسی و مساوات و حق تعیین سرنوشت به رسمیت بشناسد. گرچه این عریضه همانند بمبی افکار عمومی فرانسه و دیگر مستعمرات این کشور را لرزاند ولی هوشه مین - پس از آن که کنفرانس عریضه او را بی جواب گذاشت، این تجربه را بدست آورد که اظهارات امپریالیست ها راجع به آزادی و دموکراسی و حقوق بشر تنها کلمات شیرینی بودند که برای گول زدن مردم تحت ستم از آن ها استفاده می شد.

پس از انقلاب اکتبر در روسیه، پس از خواندن تزه‌های لنین درباره مسئله ملی و استعماری، هوشی مین چنان تحت تاثیر قرار گرفت که تنها در اطاقش قدم می زد و با صدای بلند، چنان که گویی توده ها را مورد خطاب قرار می دهد، می گفت:

«هموطنان ستمکش! اینست آنچه ما بدان احتیاج داریم. اینست راه ما به رهایی».

سپس در سال 1920، در کنگره حزب سوسیالیست فرانسه (شهر تور) شرکت جست و به همراه بهترین مارکسیست های فرانسوی، **حزب کمونیست فرانسه را بنیانگذاری کرد**. به این ترتیب هوشه مین یکی از نخستین اعضای حزب کمونیست فرانسه و اولین ویتنامی کمونیست نیز بود.

هوشی مین با کمک حزب کمونیست فرانسه و همراه تعدادی از وطن دوستان دیگر مستعمرات فرانسه، «اتحادیه بین مستعمرات» را تشکیل داد و خود به عنوان عضو کمیته مرکزی و عضو دائم این کمیته انتخاب گردید. او با نشر روزنامه «لوپاریا» و تهیه مقالات و اعلامیه ها (مانند «استعمار فرانسه در مقابل دادگاه») به مبارزه خود علیه استعمار ادامه می داد.

در سوگ مرگ لنین (1924) هوشه مین چنین نوشت:

«ما عمیقا از فقدان غیرقابل جبران لنین متأسفیم و همراه با همه مردم دنیا در غم خواهران و برادران خود شریک هستیم. معهذا ما معتقدیم کمینترن و بخش های آن در کشورهای مستعمره رهنمودها و توصیه های او را دنبال خواهد کرد. لنین زمانی که زنده بود، پدر ما، معلم ما، رفیق ما و راهنمای ما بود و حال ستاره راهنمایی است که راه انقلاب سوسیالیستی را به ما نشان می دهد».

او در پرتو تزه‌های لنینی چنین اضافه می کرد:

«سرنوشت دنیای پرولتری به مقیاس وسیعی به مستعمرات، که غذا و نیروی قدرت های امپریالیستی را تهیه می کنند، وابسته است. اگر ما بخواهیم امپریالیسم را شکست بدهیم، باید از قطع منافع آن در مستعمرات آغاز کنیم».

پیروزی انقلاب اوت 1945 در ویتنام، این دید انقلابی هوشه مین را کاملا به اثبات رسانید.

ولی این پیروزی به آسانی بدست نیامد. هوشه مین با دید روشنی که از هدف ها و نیروهای انقلابی داشت، نشان داد که دشمن اصلی خلق ویتنام امپریالیسم و عوامل داخلی آن ها یعنی فئودال ها هستند. او ایمان راسخی به سوسیالیسم علمی و به شکست ناپذیر بودن نیروی انقلابی توده های زحمتکش داشت. او می گفت:

«قدم به قدم در راه مبارزه، با ترکیب کردن تعلیم تئوری مارکسیسم - لنینیسم و فعالیت های علمی، رفته رفته فهمیدم که تنها سوسیالیسم، تنها کمونیسم می تواند مردم زحمتکش دنیا را از یوغ بندگی رها سازد».

و برای سرنگون کردن حکومت استثمارگران و نمایندگان فئودال آن ها، وی درک کرده بود که تنها وجود یک حزب نیرومند مجهز به تئوری مارکسیسم - لنینیسم می تواند به چنین پیروزی برسد. این چنین بود که او در راه تشکیل چنین حزبی قدم پیش گذاشت.

هوشه مین در سپتامبر 1924، پس از مدتی اقامت در اتحاد جماهیر شوروی، به کانتون در چین رفت و به سازماندهی در راه ایجاد حزب کمونیست مشغول شد. او منتخبی از جوانان را، که هسته رهبری حزب را بوجود آوردند، به نام « سازمان انقلابی جوانان ویتنام» متشکل کرد و «اتحادیه مردم ستمدیده آسیا» را، که دارای بخش ویتنامی نیز بود، پایه گذاری کرد.

وی با نشر هفته نامه ای بنام تان نی ان (جوانان) و نوشتن کتابی بنام «راه انقلاب» به تربیت تئوریک انقلابیون پرداخت. او داشتن خصایل انقلابی - مانند کوشایی، قناعت، از خود گذشتگی، مصمم بودن به تصحیح نقایص خود و پرهیز از لاف زنی و خودستایی،

انطباق دادن حرف با عمل، راسخ بودن در اعتقادات انقلابی - را کافی نمی دانست و انقلابیون را به فراگرفتن تئوری مارکسیسم - لنینیسم و درک راه و روش انقلابی تشویق می کرد. او همواره این جملات لنین را یادآوری می کرد:

**«بدون یک تئوری انقلابی هرگز یک جنبش انقلابی وجود نخواهد داشت. . . و فقط یک حزب که با تئوری پیشاهنگ رهبری می شود، می تواند نقش خود را به عنوان مبارز پیشاهنگ ایفا نماید.»**

او می دانست که انقلاب امر مشترک توده هاست و نه اقدام عده ای قلیل. انقلابیون باید آگاه باشند که کارگران و دهقانان نیروی اساسی انقلابند. او همچنین تاکید می کرد که انقلاب ویتنام بخشی از انقلاب جهانی است که خط مشی کمونیسم بین المللی را دنبال کرده است.

هوشه مین افکار انقلابی مارکسیستی - لنینیستی را به وسیله هفته نامه جوانان و «جاده انقلاب» ترویج می کرد. ولی اختلافات سه سازمان کمونیستی ویتنامی - «حزب کمونیست هندوچین»، «حزب کمونیست آنام» و «فدراسیون کمونیست هندوچین» - که با وجود کار مداوم و بسیج توده ها، کار تبلیغاتی یکدیگر را بسختی مورد انتقاد قرار می دادند، روز به روز شدیدتر می شد. سرانجام هوشه مین، به عنوان نماینده کمینترن، توانست در فوریه 1930 در کولون (نزدیک هنگ کنگ) کنگره وحدت را منعقد سازد. در این کنگره، که تحت ریاست او صورت گرفت، سه سازمان کمونیستی در یکدیگر ادغام و به سازمان واحدی بنام «حزب کمونیست ویتنام» تبدیل شدند. طرح برنامه و استراتژی و اساسنامه حزبی که بوسیله هوشه مین تهیه شده بود، در آنجا به تصویب رسید.

در پرتو رهنمودهای حزب کمونیست ویتنام، که خط مشی درستی را انتخاب کرده بود، ویتنام توانست در مقابل طوفان های سختی که در انتظارش بود، همانند صخره ای مقاومت کند. هوشی مین بارها تایید کرده بود که نخست حزب باید مستحکم گردد. چه بسیار اعضا حزب که در جنبش انقلابی ساخته شده بودند. ولی فرصت برای مطالعه منظم تئوری مارکسیسم - لنینیسم و راه و خط مشی حزب و سیاست های آن را نداشتند. او از سویی به اعضا یادآوری می کرد که در جنبش کارگری فعالیت کنند و به عضوگیری بین پرولتاریا بپردازند از سوی دیگر پیشنهاد کرد که کمیته مرکزی حزب باید کمیته های مسئول جهت تبلیغ و تعلیم اعضای حزب تشکیل دهد و دوره های کوتاه جهت آموختن برنامه سیاسی و اساسنامه حزب و تربیت کادرها برپا کند.

او شعار حزب را با خواست های عمده خلق ویتنام مانند استقلال ملی و آزادی های دموکراتیک و بهتر شدن شرایط زندگی و حق شرکت حزب در فعالیت های قانونی تلبیق کرد. او تاکید می کرد که:

**«برای رسیدن به هدف های فوق باید کوشش کرد تا جبهه دموکراتیک ملی وسیعی تشکیل گردد. این جبهه نه تنها باید مردم هندوچین را . . . نه تنها مردم زحمتکش را، بلکه هم چنین وابستگان به بورژوازی ملی را نیز در برداشته باشد.»**

در پرتو رهبری صحیح هوشه مین و کمیته مرکزی حزب، جنبش مبارزاتی توده ها برای آزادی های دموکراتیک و بهبود شرایط زندگی ملیون ها مردم را به خود جلب کرد و وجدان سیاسی آنان را بیدار ساخت.

کمی پیش از آغاز جنگ دوم جهانی، حزب کمونیست ویتنام به کار زیر زمینی پرداخته بود. هوشه مین در سال 1939 حمله ژاپن به ویتنام را پیش بینی کرده بود. این حمله در اوت 1940 صورت گرفت. استعمارگران فرانسه ویتنام را دو دستی به ژاپنی ها تقدیم کردند. کمیته مرکزی حزب در نوامبر 1940 در هفتمین پلنوم خود مشخص کرد که امپریالیست های فرانسه و فاشیست های ژاپن دو دشمن مستقیم ویتنام هستند و وظیفه آمادگی برای قیام مسلحانه برای کسب قدرت را در پیش نهاد. هشتمین پلنوم کمیته مرکزی (مه

1941) به ریاست هوشه مین، به منظور گردآوری بخش های مهم و وسیع مردم و برای جلب همه نیروهای انقلابی، تصمیم به تاسیس «ویت نام دک لپ دونگ مین» (جامعه استقلال ویتنام) یا به اختصار «ویت مین» را گرفت. پلنوم تصمیم گرفت که بسیج توده ها در مبارزه انقلابی بنام ویت مین باشد ولی خصلت پیشاهنگی حزب نه تنها باید نگه داشته شود، بلکه همچنان که جبهه وسعت می یابد، نقش حزب باید مستحکم و تقویت گردد.

از سال 1941 به بعد، هوشه مین دستورالعمل هایی را برای تدارک قیام مسلحانه و بدست گرفتن قدرت صادر کرد، که مهمترین آنها در اسناد «جنگ چریکی»، «تجربه چریکی چین»، «هنر نظامی سون چو» و «چگونه باید کادرهای نظامی را تعلیم داد» منعکس است. او در اوت 1942 برای نخستین بار با انتخاب نام هوشه مین به چین رفت، ولی هنگام عبور از مرز توسط مقامات محلی چیانگ کای چک دستگیر شد و برای بار دوم به زندان افتاد (بار اول از ژوئن 1931 تا بهار سال 1933 به زندان انگلیسی ها افتاد) هوشی مین در شرایط فوق العاده بد زندان خیلی رنج کشید. او در یکی از اشعار خود در زندان بنام «خاطرات زندان» چنین می گوید:

**«سرسخت و بردبار**

**هیگاه**

**حتی یک اینچ عقب ننشستم**

**گرچه جسما در عذابم،**

**روحیه ام تزلزل ناپذیر است . . .»**

با تشکیل کنفرانس ملی حزب در روز 15 اوت 1945 و تصمیم یک قیام عمومی، پایه حکومت موقت جمهوری دمکراتیک ویتنام گذاشته شد. و بالاخره در 2 سپتامبر 1945 در میدان بادین هوشه مین از طرف دولت بیانیه تاریخی استقلال را قرائت کرد. این بیانیه جوهر کارهای پیشین هوشه مین و ورقه زرینی در تاریخ مبارزات سرسخت و مستمر خلق ویتنام بود.

در روز 2 مارس 1946، در نخستین نشست مجلس ملی، هوشه مین به عنوان ریاست جمهوری دمکراتیک ویتنام انتخاب گشت. در 9 نوامبر همان سال، نخستین اساسنامه جمهوری دمکراتیک ویتنام تصویب شد.

هوشه مین روز 4 سپتامبر 1946 طی قرارداد موقتی با حکومت فرانسه، فرصت کافی به نیروهای ویتنامی برای تدارک مقاومت خلقی را داد. در 19 دسامبر جنگ سراسری در تمام ویتنام درگرفت. هوشه مین طی فراخوانی، روز 20 دسامبر 1946، خلق ویتنام را برای مقاومت ملی علیه استعمارگران فرانسوی دعوت کرد.

در طول این جنگ عظیم، هوشه مین ده ها نامه به مسئولین حزب نوشت و طی کتابی به نام «بگذار ما سبک کارمان را بهبود دهیم»، سخن خود را با کادرها و اعضای حزب ادامه داد. وی به کادرها آموخت که وطن دوستی اصیل را با انترناسیونالیسم پرولتری، در هم آمیزد.

هوشه مین دیگر کشورهای جهان را در ژانویه 1950 برای به رسمیت شناختن جمهوری دمکراتیک ویتنام دعوت کرد. این دعوت وسیله اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و دمکراتیک بزودی جامه عمل پوشید.

در دومین کنگره حزب (ژانویه 1951) هوشی مین خاطر نشان ساخت که:

**«کنگره، کنگره مقاومت است و وظیفه اش به پیروزی رساندن کامل مقاومت.»**

وی در جمع بندی تجربه سیاست «اتحاد ملی وسیع» این شعار معروف خود را مطرح ساخت:

**اتحاد، اتحاد، اتحادی وسیع**

**موفقت، موفقت، موفقتی عظیم.**

در جنگ میهنی علیه استعمارگران فرانسه، که در زمستان 1953 و بهار 1954 به شدیدترین حد خود رسیده بود، نیروهای ملی ویتنام توانستند همه جا نیروهای فرانسوی را شکست دهند، و بالاخره در پیروزی معروف دین بین فو (26 نوامبر 1954) هوشی مین اعلام کرد که حاضر است با دولت فرانسه توافق سیاسی بر مبنای احترام صمیمانه به استقلال واقعی ویتنام امضاء کند.

به این ترتیب، پس از امضای موافقت نامه ژنو (20 ژوئیه 1954) برای نخستین بار در تاریخ، یک کشور کوچک و ضعیف مستعمره، یک قدرت استعماری بسیار قوی را شکست داد و کمک به روند تلاشی سیستم استعماری امپریالیسم کرد.

از سال 1954 امپریالیست های جدیدی جای استعمارگران سابق را گرفتند. با اجرای سیاست مداخله گرایانه و تجاوزکارانه، آمریکائیان خرابکاری خود را علیه موافقتنامه ژنو در ویتنام جنوبی آغاز کردند.

در سال 1960 قیام های هماهنگ در ویتنام جنوبی آغاز شد که منجر به تشکیل «جبهه ملی ویتنام جنوبی برای آزادی» در روز دسامبر 1960 گشت.

فراخوان هوشه مین درباره تجاوزکاران آمریکایی چنین بود:

«ممکن است جنگ پنج، ده بیست سال و یا بیشتر به طول انجامد. ممکن است

هانوی و هانفونگ و بسیاری از شهرها و کارخانه ها نابود گردد، ولی خلق ویتنام هیچگاه مقهور نخواهد شد...»

حماسه جنگ ویتنام علیه امپریالیسم آمریکا از اینجا آغاز شد. سرانجام نیز ماشین عظیم جنگی آمریکا در مقابل اراده خلقی کوچک، که به کمک بی شائبه مادی و معنوی کشورهای سوسیالیستی و قبل از همه و بیش از همه اتحاد شوروی تکیه داشت بزانو درآمد و در اول نوامبر 1968 دولت آمریکا، مجبور به پایان دادن بدون قید و شرط به بمباران و گلوله باران تمام خاک جمهوری دمکراتیک ویتنام شمالی و مذاکره با نمایندگان جمهوری دمکراتیک ویتنام شمالی و جبهه ملی ویتنام جنوبی برای آزادی در کنفرانس چهارجانبه پاریس گشت.

در بحبوحه جنگ خبر هولناکی به گوش جهانیان رسید. ساعت 9 و 47 دقیقه صبح روز 3 سپتامبر 1969، هوشی مین در سن 79 سالگی درگذشت.

بیش از 22000 پیام و نامه تسلیت از 121 کشور جهان و شخصیت های مهم به ویتنام ارسال شد. کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام در طی فراخوانی چنین گفت:

«رفیق هوشه مین، میهن دوست بزرگ، درگذشت.

زندگی وی نمونه درخشان قهرمانی انقلابی، همبستگی رزمنده، سادگی، فروتنی،

کوشایی، صرفه جویی، راستی، درستی بود. نام وی مظهر درخشان ترین تاریخ ملت ویتنام است.»

گرچه هوشه مین نماد تا وحدت شمال و جنوب کشورش را به چشمان خود ببیند، ولی برای همیشه در قلب خلق های سراسر ویتنام خواهد زیست.